**معرفی کتاب اسطوره‌شناسی یونانی و مدرنیته غربی**

«اسطوره‌شناسی یونانی و مدرنیته غربی» نوشته دکتر مریم صانع‌پور(-۱۳۳۳)، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. نویسنده در این کتاب کوشیده پیوندهای میان اسطوره‌های یونانی و مدرنیته را بررسی کند. اسطوره‌ها به دو بخش دینی و غیردینی تقسیم می‌شوند. اما تمرکز این کتاب بر روی اسطوره‌های غیردینی یونان باستان و تاثیرگذاری آنها بر مدرنیته است. در بخشی از مقدمه کتاب می‌خوانیم: کارل گوستاو یونگ معتقد است در پشت هر کوشش عقلانی یا نظام فلسفی منورالفکرانه و حتی عقلی مذهبانه، یک اسطوره مخفی شده که خواه مبتنی بر تاریخ یا صرفاً خیال‌پردازانه باشد، به هر حال نمونۀ مثالی آن اسطوره‌ به عنوان حقیقت نهایی واقعیت‌ها گسترش می‌یابد. بنابراین هرگز نمی‌توان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را از اسطوره‌هایشان جدا کرد زیرا نه تنها اسطوره‌های باستانی در نظام‌های اجتماعی مدرن به‌صورت مبنایی تأثیرگذار هستند، بلکه در ضمیر ناخودآگاه هر انسانی حضور دارند که در زمان مناسب به‌صورت نمونه‌های مثالی عینیت می‌یابند. پس می‌توان گفت رشتۀ اتصال انسان‌ها و جوامع با حیات گذشته‌شان، همان ناخودآگاه جمعی است که از طریق اسطوره‌ها ایجاد شده است و هر قدر عقلانیت مدرن غربی در جهت تقویت عقلانیت فردی و جمعی با خیال‌پردازی‌های اسطوره‌ای مقابله کند، اما انقطاع هر قومی از افسانه‌های کهن آن موجب می‌شود تا آگاهی‌های آن قوم فاقد ریشه شود و از دست دادن خاطره‌های قدیمی به بی‌هویتی و بی‌معنایی آن اقوام منتهی ‌گردد و موجبات حقارت فرهنگی ایشان را فراهم ‌سازد. به‌منظور یافتن ریشه‌های اسطوره‌ای تجدد غرب باید فصل مشترکی میان این دو مقولۀ به ظاهر متضاد جستجو کرد که به نظر می‌رسد بتوان طرز تلقی بشرانگارانۀ دورۀ روشنگری و اسطوره‌های یونانی را به عنوان این فصل مشترک برگزید. زیرا فرهیختگان و نویسندگان دورۀ نوزایی به علت سرخوردگی از استبداد سران روحانی به‌دنبال ایجاد تمدنی مبتنی بر ارزش‌ها و توانایی‌های انسان بدون مداخلۀ ارباب کلیسا بودند و به همین منظور اسطوره‌های یونان باستان را مورد بازخوانی و الگوگیری قرار دادند.